



4 مارچ 2016



داکتر سید عبدالله کاظم

به جواب برادر محترم جناب جمیلی صاحب!

پس از تقدیم سلام و احترام، نوشته طویل شما را که عنوانی این کمترین درستون تحلیل ها در یازده صفحه مرقوم فرموده بودید، با تعجب خواندم و راستش را بپرسید مطلبی خاصی از آن عاید حالم نشد، جز یک تعداد موضوعات در هم و بر هم که تبصره بر همه نکات آنرا بيمورد میدانم. در عین زمان باید عرض کنم که از فحوای کلی این نوشته شما مسرت بر ايم دست داد، زیرا این بار صد شکر خدا که شدت کلام شما به مقایسه نوشته قبلی نه تنها کم، بلکه بسیار دوستانه و ملاحظت آمیز بوده و از این بابت از شما بسیار ممنونم. خداوند بزرگ به شما که شخص غنیمت و محترم هستید، عمر با صحت و سلامت نصیب گرداند.

محترماً! از شرح و بسط زیاد می گذرم و جواب را فقط با بسیار اختصار به ذکر چهار نکته بسنده میکنم:

1 - اینجانب با آقای ضیا مجید نه قرابت فامیلی و نه دوستی شخصی داشته ام و شاید در طول عمر خود با موصوف بیش از دو سه بار هم صحبت نشده و آنهم وقتی باهم تصادفی در یک محفل ملاقی شده ايم، و اما یکبار وقتی به حضور رئیس دولت شهید محمد داؤد خان در اواخر ماه سپتمبر 1973 در ارگ باریاب شدم و آنهم به دلیلی نشر یک مصاحبه اینجانب با روزنامه انیس در مسائل اقتصادی کشور و علاقه آن شهید در موضوع، آقای ضیا مجید به حیث قوماندان گارد، امور یابوری را نیز انجام میداد و او مرا پس از انتظار زیاد که رفت و آمد ها در آن روز در دهلیز غیر عادی معلوم می شد، به اتاق رئیس دولت رهنمائی کرد. پس از آن روز او را هیچگاه ندیده و با او صحبتی نداشته ام و حتی درباره موقف های بعدی او جداً و علناً انتقاد کرده ام. امید است در این ارتباط حرف خود را با آنچه از کسی شنیده اید، پس بگیرید.

2 - طوریکه جناب شما فرموده اید، اینجانب در طول سالها موفق به گرد آوری کتب، اسناد و مأخذ فراوان راجع به مسائل وطن شده ام، اما نه برای تزئین، بلکه تا حد توان همه را از نظر گذشته و بر اغلب آنها تحشیه و یادداشت ها نوشته ام و از این طریق با محتوای بسا از آثار عمیقاً آشنا هستم. با تأسف باید عرض نمایم که هیچ نوع شناخت شخصی با مرحوم عبدالصمد غوث نداشته و فقط یکی دوبار در اثنای دعوت بعضی از سفارتخانه در کابل با ایشان معرفت پیدا کردم که معرفت ما تا آخر فقط در همان حدود باقی ماند. وقتی در امریکا کتاب "سقوط افغانستان" را نخست به انگلیسی و چندی بعد ترجمه دری آنرا خواندم، به این نظر شدم که آن کتاب در مورد روابط سیاسی افغانستان بخصوص در زمان جمهوریت یکی از بهترین کتابها است که تا حال نظیر آنرا کمتر خوانده بودم. مطالعات مزید این جانب در آن مسائل، مرا در باره قضاوت در محتوای این کتاب بیشتر متیقن ساخت، لذا باز هم همان گفته سابق خود را تکرار میکنم که کتاب مذکور در زمینه یکی از بهترین ها بوده و مطالعه آنرا برای هر محقق و دانش آموز جداً و اکیداً توصیه میکنم. اینکه جناب شما از این قضاوت من دلگیر شده و یا با آن موافق نیستید، کار خود شما است.

3 - در مورد شهید محمد داؤد خان آنچه را نوشته ام، فقط وجدانم به پاس خدمات صادقانه آن شخصیت برای اعتلای وطن و مردم مرا مجبور ساخته تا در بیان حقایق آنچه را میدانسته ام، بطور مستند بیان کنم و در اینکار از هیچ کس نترسم، با آنکه میدانستم که بالا کردن همچو بحث ها در شرایط موجود مخالفان آن شهید از هر جانب مرا زیر فشار

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولئ

قرار خواهند داد، چنانکه شما در این سال خود شاهد بوده اید. خوشحالم از اینکه نوشته های من از یکطرف به دل اشخاص حق بین و وارد در مسائل جا گرفته و از طرف دیگر ذهنیت سازیهای منفی مخالفان او را تا حد زیاد بی اثر ساخته است. شما خود میدانید که عده ای از شاه طلبان، بسیاری از کمونیست های خلقی و پرچمی عمال شوروی، جناح های جهادی و وابسته با اخوانیت، کسانی که مقام را از دست داده و نیز عده ای وابسته به بعضی شخصیت های سیاسی دیگر و همچنان رانده شدگان از قدرت پس از تصفیه جناح چپ و از همه مهمتر عمال ایران و پاکستان همه و همه در ردیف مخالفان آن شهید قرار گرفته و هنوز هم به مخالفت های خود ادامه میدهند. در بحبوحه این وضع مطرح ساختن خدمات آن شهید و دفاع از حقایق تاریخی کار ساده نیست که در برابر نظر این همه مخالفان و فشار آنها ایستادگی کرد. از اینکه دانشمندان و شخصیت های واقع بین در کنار این داعیه ایستاده اند، مثل استاد محترم جناب سیستانی صاحب دیگران واقعاً برای مبارزه در این راه قوت قلب میباشند و از اهدای کتاب پر محتوای ایشان به این کمترین بسیار سپاسگذارم

مرا عقیده بر آنست که دیر یا زود تاریخ با قضاوت قاطع خود واقعتاً ها را بر ملا میکند، همانطوریکه بعد از تقریباً 9 دهه در مورد شاه امان الله غازی این قضاوت را کرد و با وجود تمام تلاشها در دوره های بعدی اعم از سقوی و بعد از آن، باز هم نام نامی آن رادمرد به حیث قهرمان ملی افغانستان در آسمان تاریخ کشور تلالو کرد و هیچکس نتوانست جلو آن حقیقت را بگیرد. یقین دارم که در مورد شهید محمد داؤد خان نیز یک روز این حقایق را مرور زمان با قضاوت شگفت خود آشکار خواهد کرد. مسرور هستم از اینکه نه من و نه پدرم در زمان شاهی و نیز در زمان جمهوری صاحب مقام فراتر از استحقاق خود بوده ایم که اکنون مَهر وابستگی به مقام و غیره بر من زده شود و حقیقت جوئی مرا به آن ربط دهند و نه از شهید داؤد خان میراث خواری باقی مانده که بقدرت برسد و اینجانب چشم به آینده آن دوخته باشم. فقط وجدان من است که مرا برای تحقیق منصفانه به اینکار می کشاند و نه کدام دلایل دیگر. من هرگز سعی نخواهم کرد که کوتاهی ها ببوشانم و فقط به شرح و بیان جوانب مثبت پردازم. دوستان شهید داؤد خان از من آزرده نشوند، اگر انگشت بر نارسائی های آن دوره می گذارم، زیرا هیچکس و هیچکس دوره از عیب مبراء نیست.

4 - در مورد کارکرد های محمد نادر خان شهید چه در زمان سپه سالاری و چه بعداً در زمان سلطنت ایشان، آنچه را من در نوشته های خود آورده ام، از خودم نیست، بلکه همه برگرفته از آثار است که اکنون حیثیت اسناد تاریخی را به خود گرفته اند. من نمیتوانم محض از خاطر گل روی شما و یا دیگران سر به زیر اندازم و از اظهار و بیان آن اسناد چشم پوشی کنم. شما منتظر نشر دیگر اسناد در آینده نیز باشید و اگر هر اعتراضی دارید، به نویسندگان آن مدارک حواله دارید و آنرا با منطق و استدلال متکی به سند متقابل رد کنید، نه اینکه زبان بر این راوی دراز نمائید.

محترماً! از اینکه مکتوب مطول شما را با این اختصار جواب میدهم، امید است آنرا نشانه کم توجهی و یا کوتاه نظری من حساب نفرمائید. با تقدیم ارادت و سپاس از الطاف شما. داکتر سید عبدالله کاظم.